

## نظام رهبانیت در آئین بودایی

طاهره توکلی<sup>۱</sup>

### چکیده

رهبانیت از مهمترین اصول دستیابی به رستگاری در دین بودائی به شمار می‌رود؛ تا بدانجا که می‌توان گفت بودا رسیدن به نجات را بدون ترک زندگی معمول دنیوی و در پیش گرفتن اعمال مرتاضانه ناممکن می‌دانسته است. "سنگه" نمود عینی همین مفهوم است که از زمان خود بودا شکل گرفت و با تشکیل جمعی متحد و همسان جایگاهی را برای اجرای نظام و دستورات رهبانی و نیز آموزش و انتقال دهرمه فراهم کرد. در اهمیت بسیار سنگه از جنبه اعتقادی همین بس که سنگه به عنوان یکی از سه گوهر یا سه پناه بودائی در کنار دو گوهر دیگر یعنی "بودا" و "دهرمه" و همچون حافظ این دو اصل مطرح می‌شود. از بعد جامعه شناختی نیز سنگه همچون هر نهاد اجتماعی- اعتقادی دیگری، با وجود در برداشتن عناصر و کارکردهای مشترک خود در بعد فردی و جمعی، در هر جامعه‌ای به صورت خاص خود در آمد. معرفی احکام و قوانین سنگه و کتب مربوط به آنها، همراه با تحلیل و بررسی ویژگی‌ها و کارکردهای مشترک سنگه موضوعات اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهند.

### کلید واژه‌ها

سنگه، نظام رهبانیت، بودا، دهرمه، متون وینیه، بهیکشو، بهیکشونی، نظام برادری و اخوت، مرجعیت دینی.

### مقدمه:

سنگه یکی از سه گوهر بودائی در کنار دو گوهر دیگر یعنی "بودا" و "دهرمه" است. سه پناه یا سه گوهر از همان آغاز در دین بودائی پیدا شد. در طی پیتکه‌ها سه سبد، نیایش به این سه پناه چنین آمده است:

---

۱. مربی گروه ادیان و عرفان تطبیقی- واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران

«به بودا پناه می‌برم، به دهرمه پناه می‌برم، به سنگهه پناه می‌برم.» این عبارات را بسیاری از بودائی‌ان - اعم از عامی و روحانی - هر روزه تکرار می‌کنند. پناههای سه گانه تصدیقی ساده از ایمان به موضوعات محوری این دین اند. این سخن را به بودا نسبت داده‌اند که هر کس به فضایل این سه گوهر به استواری ایمان داشته باشد، وارد جریان نهری شده است که به سوی بیداری در حرکت است.

در مراسم دینی، مجسمه‌ای از بودا یا تمثالی از یک استاد معنوی در وسط محراب عبادت قرار داده می‌شود که نشان از پیکر به اشراق رسیده بودا دارد<sup>۱</sup>. در سمت چپ این تمثال، متن مقدسی به نشان از تعالیم و گفتارهای بودا (دهرمه)، و در سمت راست و پایین تر از مجسمه، یک استوپه (stūpa) به نشان از ذهن به اشراق رسیده بودا یا سنگهه قرار داده می‌شود<sup>۲</sup>. در مجسمه‌ها نیز، سنگهه همچون انسانی که نیلوفری را به نشان از پاکی آلودگی ناپذیر به دست دارد نشان داده شده است<sup>۳</sup>.

### "Samgha"، واژه و تاریخچه آن

واژه سنگهه اسمی مشترک است که در زبانهای سنسکریت و پالی کاربرد دارد و به معنای گروه یا "انجمن" است.

بودائی‌ان این واژه را برای جماعت دینی خود بکار گرفتند و به دنبال آنها جایین‌ها و برخی گروههای دینی دیگر نیز در همین معنای خاص از این واژه استفاده کردند<sup>۴</sup>. می‌توان گفت سنگهه در مفهوم خاص دینی دارای دو معنا است:

- 
1. Geoffrey Parrinder, "Trikāya", *Encyclopedia of Religion*, vol. 15, p. 41.
  2. Robert Beer, *The Hand Book of Tibetan Buddhist Symbols*, Boston, Shambhala, 2003, p. 49.
  3. A. S., Geden, "Monasticism(Buddhist)", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, vol. 8, p. 797.
  4. Heinz Bechert, " Samgha", *Encyclopedia of Religion*, vol. 13, p. 36.

۱- معنای عام و کلی که به پیکره مؤمنان بودائی اطلاق می‌شود.<sup>۱</sup>  
 ۲- معنای خاص آن که از تجمع شاگردان به اشراق رسیده بودا شکل می‌گیرد و عبارت است از جماعت راهبان و راهبه‌ها. گفته می‌شود زمانی که چهار راهب کامل و به اشراق رسیده حضور داشته باشند، سنگه در آنجا شکل می‌گیرد.<sup>۲</sup>  
 در برخی تعاریف که عموماً ارتدوکسی بوده و از سوی خود بودائیان است، سنگه متشکل از ۴ گروه است: راهبان (بهیکشو)<sup>۳</sup>، راهبه‌ها (بهیکشونی)، پیروان عامی مرد، پیروان عامی زن.

سنگه بودائی زمانی تأسیس شد که بودا پس از ایراد خطابه اول خود در پارک غزالان، ه شاگردش را برای تعلیم پذیرفت. همین شاگردان اولیه بودا هستند که هسته اولیه تشکیل سنگه را بنا می‌نهند.<sup>۴</sup>

آنگونه که در متون مقدس بودائی آمده، ظاهراً بودا از همان آغازین لحظات بیداری خود هدف تشکیل چنین اجتماع دینی‌ای را در ذهن داشته است. چنانکه الیاده در تاریخ عقاید دینی بیان می‌کند، آخرین وسوسه ماره (Māra) این بود که به بودا گفت: «ای فرد متعال! بیا و به سرعت وارد پری نیروانه<sup>۵</sup> شو، بی آنکه آموزه نجاتی را که به کشف آن نائل شده‌ای بر دیگران اعلان کنی.» اما بودا پاسخ داد که وارد پری نیروانه نمی‌شود تا آنکه اجتماعی سازمان یافته و آگاه از مؤمنان بنا نهد. پس از پیروزی بر این نیرنگ‌های ماره بود که بودا به

1. Donald S. Lopez, "Buddhism in Practice", *Asian Religions*, New Jersey, Princeton University Press, 1999, p. 83.

2. Heinz Bechert, art. cit., p. 36.

۳. بهیکشوها کسانی بودند که بدنبال دستیابی به نجات، ترک خانمان خود کرده و معتقد به اصول اعتقادی مشترکی که بودا تعلیم داده بود و نیز آداب و شعائر خاصی گشته بودند. نقطه اشتراک این بهیکشوها نیز همان اعتقادات و قوانین رهبانی شان (دهرمه) بود.

4. Heinz Bechert, art. cit., p. 36.

5. Parinirvāna

بنارس رفت و پس از گذشت مدت زمانی، اولین جامعه بودائی متشکل از ۶۰ بهییشکو شکل می‌گرفت.<sup>۱</sup>

پس از تشکیل سنگه‌اولیه، بودا جهت حفاظت، اداره و مستحکم‌تر کردن آن، مجموعه قوانینی را بنیان نهاد. این قوانین شامل محرّمات و دستورالعمل‌هایی جهت تعلیم نوآموزان دینی بود. بودا پس از این عمل، وظیفه اداره سنگه را به خود راهبان واگذار نمود.<sup>۲</sup>

اما علاوه بر این جماعت، حتی در دوران خود بودا نیز گروهی از افراد عامه بودند که علیرغم همفکری با بهییشکوها و پذیرش تعالیم بودا، به ترک و کناره‌گیری از دنیا روی نیاورده بودند. اینان با ایمان به بودا و با بخشش به جماعت (سنگه)، می‌توانستند "شایستگی" هایی کسب کنند که حیات بعدی آنان را در یکی از بهشت‌ها تضمین می‌کرد و منجر به بازپیدایی بهتری می‌شد.<sup>۳</sup> نکته جالب در این بخشش‌ها این بود که هر اندازه راهبی که غذا دریافت می‌نمود در سطح کامل‌تری قرار داشت، تأثیر پاک‌کنندگی و تطهیر او برای فرد صدقه‌دهنده نیز بیشتر می‌شد.<sup>۴</sup>

به هر صورت، دین توده مردم دارای آداب و مراسم خاص خود و متفاوت از سنگه بود. مردم عادی با بخشیدن غذا به بهییشکوها، در تعالی خود می‌کوشیدند و از این رو بود که بهییشکوها از سپاسگزاری نسبت به کسی که به آنان طعامی می‌داد، منع شده بودند، زیرا این فرد مقابل بود که با انجام این عمل شایستگی بیشتری برای خود کسب می‌کرد.<sup>۵</sup>

1. Mircea Eliade, *A History of Religious Ideas*, The University of Chicago Press, 1982, vol. 2, p.77.

2. J. Kashyap, "Origin and Expansion of Buddhism", *The Path of the Buddha*, New York, The Ronald Press Company, 1956, p. 34.

3. Mircea Eliade, op. cit., p. 91.

4. Peter Harvey, *An Introduction to Buddhist Ethics*, Cambridge University Press, 2000, pp. 21- 23

5. Christmas Humphreys, *Buddhism*, England, Penguin Books, 1983, p. 135.

به این نکته باید توجه داشت که واژه سنگه در ابتدا هیچ مفهومی از نظر مکانی به ذهن متبادر نمی‌ساخت، بلکه صرفاً مفهومی دینی بود که کارکرد اجتماعی و جمعی داشت و دارای هیچ گونه بار معنایی‌ای از "مکان" و "موقف" نبود. این از آن رو بود که خود بهیچکسها ابتدا هیچ محل سکونت و استقرار ثابتی نداشتند، اما از آنجا که اینان مجبور بودند در سه موسم بارانی سال در پناهگاههایی اقامت گزینند، به تدریج همین امر موجب سکونت دائم بهیچکسها شد<sup>۱</sup>. این چنین بود که پس از گذشت مدّت زمانی، به دلیل سکنی گزیدن این جماعت، سنگه دارای بار مفهومی مکانی نیز گردید.

لویز سنگه<sup>۲</sup> اولیه را چنین توصیف کرده است: «بودا و پیروانش در اصل گروهی از مرتاضان سرگردان بودند. اگرچه آنان نیز همچون دیگر مرتاضان هند، در فصول بارانی مجبور به توقف در مکانی ثابت می‌شدند، اما حامیان ثروتمندی وجود داشتند که برای استفاده و رفاه حال این مرتاضان، پناهگاههایی ایجاد می‌کردند. همین پناهگاهها به مرور به معابدی تبدیل شدند که طی سالها مورد سکونت دائمی مرتاضان قرار می‌گرفتند. به نظر می‌رسد که در سنت اولیه، سنگه به سرعت در مکانی ثابت شد، اگر چه این سنت سرگردانی نیز در کنار آن همچنان ادامه داشت. متون وینیه راهبان را از خاستگاههای متنوع اجتماعی توصیف می‌کنند... این متون از راهبانی صحبت می‌کنند که در کلام مهارت خاصی داشتند، قادر به حفظ و قرائت کتب (سوتوه‌ها و وینیه) بودند، در جنگل زندگی می‌کردند، جامه‌هایی نم‌دین می‌پوشیدند، از لباس‌های ژنده و مندرس استفاده می‌کردند، در قبرستان‌ها یا پای درخت زندگی می‌کردند و تنها با صدقه‌ای که از دیگران می‌گرفتند روزگار می‌گذراندند و از انجام هر گونه عمل دنیوی پرهیز می‌کردند<sup>۳</sup>».

1. Charls S. Prebish, *Buddhist Monastic Discipline*, Motilal Banarsidass, Delhi, 1996, p. 8.

2. D. S. Lopez, op. cit., p.84.

### کتاب احکام و قوانین سنگهه

شناخت کتب احکام سنگهه، دست کم از سه جهت حائز اهمیت است: اول، از آن جهت که اولین بخش از کتاب مقدس بودائیان است؛ دوم، بدان دلیل که برای شناخت سنگهه و نظام بودائی لازم است از کتب احکام مربوط به آن اطلاع یافت؛ و سوم اینکه این متون به عاملی جهت تقویت نقش بهیکشوها و سنگهه تبدیل شدند. به گفته مارتین کلکات: «مرکزیت بهیکشوها و نظام رهبانیت، در پرتو این حقیقت که ادبیات دینی و احکامی (سوتیه‌ها، وینیه، ایی دهرمه) به شکل گسترده‌ای توسط راهبان پخش و فزونی یافت، تقویت بیشتری می‌شود.»<sup>۱</sup>

### معرفی ادبیات وینیه (Vinaya)

به دنبال وفات بودا در قرن ۵ پیش از میلاد، پیروان خاص بودا در اولین شورا گرد هم آمدند تا تعالیم بودا را سازماندهی کنند. آنان مجموعه تعالیم بودا را در سه سبد (تری پیتکه) جای دادند:

۱- وینیه (Vinaya): متون عملی و رفتاری

۲- سوتیه (Sūtra): متون اعتقادی و جهان‌شناسی

۳- ابیدهرمه (Abidharma): متون فلسفی و اخلاقی

قانون (شریعت) سنگهه بودائیان، اولین بخش از کتاب مقدس بودائیان را تشکیل می‌دهد. این مجموعه سبد نظام رهبانیت (Vinaya pitaka) نامیده می‌شود که در نسخه‌های متنوع و متفاوتی به تواتر رسیده است و هر یک به "مکتب" (nikāya) خاصی از بودائی هندی اولیه تعلق دارد. شباهت نزدیک قسمت‌های اصلی این متون به روشنی به منابع

1. Martin Collcutt, "Monasticism: Buddhist Monasticism", *Encyclopedia of Religion*, vol. 10, pp. 41- 42.

2. John C. Holt, "Vinaya" *Encyclopedia of Religion*, vol. 15.p. 265.

مشترکی اشاره دارد. متن کامل وینیه پیتکه که مربوط به فرقه مهاویهاره (Mahāvihāra) سنت اصلی مکتب تهره واده) می باشد، به زبان پالی حفظ شده است. روایات اصلی دیگری نیز وجود دارند که به زبان سنسکریت شکل گرفته اند، اما تنها بخشهایی از متون اصلی حفظ شده اند.<sup>۱</sup>

واژه "وینیه" به معنای "آنچه که جدا می کند" یا "آنچه که برطرف می کند" می باشد و در انگلیسی به "Discipline" (نظام احکام و دستورات) ترجمه شده است. این واژه در اصطلاح بودائی به مجموعه قوانین رفتاری اطلاق می شود که جامعه راهبان بودائی با انجام آنها از جامعه عوام بودائی جدا می گردد.<sup>۲</sup>

تمامی نسخه های وینیه پیتکه شامل سه بخش اصلی هستند:

1. Vinaya Vibhanga (sūtravibhaṅga)
2. Skandhaka (Pali: khandhaka) or Vinayavastu
3. Parivāra

قدیمی ترین قسمت بخش اول قواعدی است به نام Prātimoksa (پالی) = pātimokkha) به معنای "قید و بند" یا "بهم پیوستن" که شامل قواعدی نهی کننده درباره نحوه رفتار راهبان و راهبه هاست و اعتقاد بر این است که تمام این قواعد توسط خود بودا بیان شده است. تعداد این قواعد در مکاتب بودایی متفاوت است. مثلاً در فرقه Mahāsāṃghikas تعداد آنها ۲۱۸ و در فرقه Sarvāstivādins، ۲۶۳ عدد می باشد. کتب پالی تعداد این قوانین را ۲۲۷، کتب چینی ۲۵۰ و کتب تبتی ۲۵۳ عدد

1. Heinz Bechert, art. cit., p. 36.

2. John C. Holt, art. cit., p. 265.

می‌دانند. اما بدنه اصلی این احکام در تمام فرق یکی است. این قوانین در مراسم اقرار معمول در سنگهه خوانده می‌شوند<sup>۱</sup>. جالب است که در مجموعه قوانین پتی مکهه، قوانین پنجگانه اخلاقی که توسط برهمنان در آن زمان رعایت می‌شد<sup>۲</sup>، نیز یافت می‌شود<sup>۳</sup>. در متن پتی مکهه علاوه بر عبارت قانون، اتفاقی که طی آن بودا آن قانون را مطرح کرد نیز همراه با تفاسیری آمده است. این قوانین به دو بخش قوانین مربوط به راهبان (بهیکشوها) و قوانین مربوط به راهبه‌ها (بهیکشونی‌ها) تقسیم می‌شوند. پس از هر عمل نهی شده، تاوان مربوط به انجام آن عمل نیز آمده است. در بخش های دوم و سوم، قوانینی که در درازمدت مربوط به سنگهه بوده و شکل گرفته‌اند، آمده است. نیز در بخش سوم، خلاصه‌ای از قوانین مختلف و تفاسیر الحاقی به آنها آمده است<sup>۴</sup>.

فرامین پتی مکهه، سختگیرانه ترین احکام روزانه عبادی هستند که در ادیان موجود یافت می‌شوند. به هر صورت کسانی هستند که اعتقاد دارند این قوانین برای دنیای امروز بسیار شدید هستند و بیشتر وقت بهیکشوها صرف عمل نمودن به این قوانین می‌شده است<sup>۵</sup>. متون دینی مورد قبول کلیه فرق بودائی است و در سنت‌های بودائی آسیایی، پافشاری بر انجام شعائر و قوانین معابد نشانه‌ای از ارتدوکس بودن به حساب می‌آید. گفته شده که تعالیم بودا تا آنجایی که دینی پایدار باشد، تداوم خواهد یافت. این است که تأکید بسیاری بر حفظ و انجام این مجموعه قوانین صورت می‌گیرد.

1. Heinz Bechert, art. cit., p. 39; and Humphreys, Christmas, op. cit., p. 136.

۲. این قوانین پنجگانه عبارتند از: ۱- عزلت‌گزینی ۲- دوری از رفتارهای جنسی ۳- دوری از آنچه که به انسان داده نشده است. ۴- دوری از دعاوی دروغین درباره دارا بودن قدرت های برتر و مافوق طبیعی ۵- پرهیز از مصرف مسکرات.

3. Holt, J. C., art. cit.

4. Heinz Bechert, ibid., p. 36.

5. Humphreys, ibid., pp. 136-37.



### کارکردهای سنگه

انگیزه زیر بنایی تشکیل جماعت دینی بودایی (سنگه)، از ابتدا متوجه رسیدن به دو هدف اصلی بوده است:

۱- هدفی که جنبه فردی دارد یا کارکرد فردی سنگه: در این بخش به قول هامفری «کارکرد سنگه فراهم نمودن بهترین شرایط ممکن برای رشد و بالندگی فردی است»<sup>۱</sup>.  
 هاینز بکرت نیز در این خصوص می‌گوید: «بودا اعلام کرده بود که هدف او صرفاً راهنمایی پیروانش به همان راهی که خود رفته است برای رسیدن به بیداری نهایی می‌باشد. متون دینی اظهار می‌دارند که نظام احکام دینی و سنگه تنها شکل بیرونی این هدف را نمایان می‌سازند. بدین معنا که صرفاً فرصتی برای انسانها فراهم می‌آورند تا از مسؤلیت های دنیوی رهایی یافته و بر بیداری خود متمرکز شوند. نظام رهبانیت جنبه رسمی اخلاق است. اخلاق در این مفهوم با تمرین خودداری بدست می‌آید. بنابراین انجام دستورات دینی، بخش بیرونی آموزش های روحانی بودا به پیروانش می‌باشد...»<sup>۲</sup>.  
 با نگاهی موشکافانه می‌توان دریافت که سنگه در این کارکرد خود می‌کوشد تا با تشکیل "جمعی متحد و همسان" و ترغیب آنان به زندگی جمعی مؤمنانه، به تعریفی جدید از زندگی فردی دست یابد و فرد فرد اعضای جمع را به "مکشه" نزدیک و نزدیکتر سازد. در واقع در سنگه با آنکه با جمع روبرو هستیم، اما تمام توجه به فرد است که با شرکت در جمعی آماده، آگاه و هدفمند، خود را از دنیا و کشش‌هایش رها می‌سازد و به شکلی سهل‌تر و پابرجاتر طریق نجات را طی می‌کند.

1. Art. cit., p. 133.

2. Art. cit., p. 38.

۲- کارکرد جمعی سنگهه: در این قسمت، مهمترین وظیفه و کارکرد سنگهه، به گفته هامفری «آموزش دهرمه به انسانهاست»<sup>۱</sup>. در واقع، کارکرد سنگهه را نباید تنها در آموزش دهرمه به مؤمنان بودایی دانست، بلکه سنگهه در دین بودائی به مجرای رسمی انتقال دهرمه (یعنی مجموعه اعتقادات و احکام)، هم به بودائیان و هم به غیر بودائیان، تبدیل می‌شود و در حقیقت، از این طریق حیات دهرمه را تضمین می‌کند. بدین ترتیب، باید گفت آموزش دهرمه دارای سه بخش است:

۱- آموزش به اعضای سنگهه و تفکر و بحث اعضای جمع پیرامون آن

۲- آموزش به مؤمنان بودائی

۳- آموزش به غیر بودائیان

از این روست که مفهوم "تبلیغ" یکی از مهمترین وجوه این دین گردید، مفهومی که بنیانگذار آن نیز خود بودا بوده، آنگاه که به پیروان اولیه خود گفت «هریک از راهی روید تا دهرمه را تبلیغ کنید». به گفته رادا کریشنن «روحانیون بودائی همانند رهبرشان، به دنبال راهنمایی و موعظه همه انسانها به سمت حقیقت بودند .... یکی از عوامل موفقیت این دین، روح تبلیغ این دین بوده است. بودا به مریدانش گفته بود: «به تمامی سرزمین‌ها بروید و این بشارت را موعظه کنید، به آنان بگویید که فقیران و طبقات بالا همگی یکی هستند و در این دین یکدست و یکپارچه می‌شوند، همچون رودخانه‌ای که به دریا می‌ریزد»<sup>۲</sup>. رادا کریشنن ابلاغ پیام بودا را تبلیغ محبت و عشق، صلح و صفا، و برادری و مهربانی می‌داند. خود بودا دهرمه را همچون هدیه‌ای می‌شمرد که بهیکشویی برای بهیکشویی دیگر می‌برد و به او می‌بخشد. او می‌گوید: «برادران! دو گونه هدیه وجود دارد، هدیه‌ای که از

1. Op. cit., p.133.

2. S., Radhakrishnan, *Indian Philosophy*, New Delhi, Oxford University Press, 1998, vol.1, p. 457.

چیزهای مادی است و دوم هدیه‌ای که از دهرمه است. از میان این دو نوع هدیه، هدیه دهرمه برتر است.<sup>۱</sup>»

به گفته هامفری، هدیه‌ای که بهیکشوها در سفر به دیگران می‌بخشند "تقسیم" چیزی است [یعنی تقسیم تجربه‌ها و دانسته‌های خود] و نه "تحمیل". بهیکشوها علاقه‌ای به تغییر کیش دیگران ندارند و هیچ نامی را بر نمی‌گزینند. آنان دهرمه را تبیینی از حقیقت می‌دانند. بنابراین پیام بودا را در ابلاغی جهانی می‌شمرند.<sup>۲</sup> در این کارکرد، سنگه بودائی را باید یک نوآوری دانست. هامفری در بخش دیگر کتاب خود می‌نویسد: «سنگه بودائی یک نوآوری است، چرا که برهمنان هندو، عموماً خویشتن گرا بودند. حال آنکه اولین مریدان بودا، اولین مبلغان این آیین نیز شدند. بودا طریق خود را به پیروانش خدمت به همه موجودات بشر اعلام نمود. در حقیقت سنگه، ابزار لازم بودا جهت آشکار و اعلان نمودن تعالیمش بود. از آنجا که کتابها ناشناخته بودند، بهیکشوها کتابخانه‌های سیار شدند و توسط آنها این دین به سرعت پخش شد.»<sup>۳</sup>

شاید بتوان گفت همین وظیفه انتقال دهرمه (در دو بخش انتقال به مؤمنان و انتقال به غیر مؤمنان بودائی) بود که تدریجاً، کارکرد جدیدی را برای سنگه بوجود آورد و آن تبدیل شدن بهیکشوها به آموزگاران مدارس بود. امری که موجب تلفیق نظام دینی و نظام آموزشی و تبدیل صومعه‌ها به مدارس در بسیاری از کشورهای بودائی گردید.<sup>۴</sup>

غیر از دو کارکرد فردی و جمعی سنگه، باید به نقش دیگر که در آن فرد و جمع دوباره در این آیین بهم پیوند می‌خورند، نیز توجه داشت و آن، در خواست غذایی است که

1. Humphreys, op. cit., p. 137.

2. Ibid.

3. Ibid. p.133.

۴. همین مسأله را می‌توان یکی از عوامل الزام ورود همه جوانان به سنگه در برخی از کشورها (از جمله برمه و کامبوج) نیز دانست. (نک: Lopez, D. op. cit., p. 84)

بهبیکشوها از مردم می‌نمودند، یا بطور عامتر، حمایت مالی مردم از سنگهه است. همانطور که پیشتر ذکر شد، بهبیکشوها نباید پس از دریافت غذا از مردم تشکر کنند، چرا که این مردم هستند که مدیون این عمل راهبان‌اند و از این طریق شایستگی‌ها و لیاقت‌های معنوی خود را والاتر می‌سازند. این مسأله به قول لویز، هم موجب همزیستی دوستانه و مسالمت‌آمیز خواص و عوام می‌شد و هم نیاز دو طرفه این دو قشر را به شایستگی سامان می‌داد<sup>۱</sup>. بنابراین می‌توان گفت که از دیگر کارکردهای سنگهه، سهم بودن اعضای آن در افزایش سطح معنوی و نیکی‌های مردم جامعه است.

#### انتقادات وارد شده بر سنگهه

۱- یکی از مهمترین انتقاداتی که درباره نظام قوانین سنگهه مطرح شده است، وجود ریاضت‌های شدید و دستورالعمل‌های جزئی رفتاری است. برخی، فرامین پتی مکبه را سختگیرانه‌ترین احکام روزانه عبادی می‌دانند که در ادیان موجود یافت می‌شود<sup>۲</sup>. لویز در این باره چنین نظر می‌دهد:

«راهبان در ادبیات دینی، گرفتار بافتی از الزامات آئینی و اجتماعی‌اند، آنان به طور دائم در صومعه سکونت دارند، و به جای آنکه دلمشغولی آنان نیروانده باشد، ظرف‌های گدایی و خرقه‌های نم‌دین، یا رفتار مناسب با عموم ذهنشان را فراگرفته است»<sup>۳</sup>.

این احکام و قوانین از نظر لویز چنان سختگیرانه‌اند که با تبدیل به فرمالیسم دینی، و راهبان را از توجه به باطن بازداشته است. پاسخ‌هایی به این انتقاد داده، ما به دو پاسخ که اولین با

1. Ibid.

2. Humphreys, op. cit., pp. 136-137.

3. Lopez, op. cit., p. 84.

4. Heinz Bechert, art. cit., p. 38.

توجه به ساختار دین بودائی و دومین با نگاهی جامعه شناسانه به این موضوع پرداخته است، اکتفا می‌کنیم.

۱- نظام رهبانیت موجود در سنگهه، جنبه رسمی اخلاق بودائی است. اخلاق در این مفهوم با تمرین خودداری بدست می‌آید. بنابراین انجام دستورات وینیه، بخش بیرونی آموزش‌های روحانی بودا به پیروان اوست<sup>۱</sup>.

بنابر تعالیم بودا، راه میانه یا طریق هشتگانه را می‌توان دارای دو بعد دانست: یک بعد آن تعریفی است که وی از جهان به عنوان "دوکهه" دارد، و دوم، ارائه راه حل او یعنی ترک دنیا و علائق آن و رعایت نمودن دستور العمل‌های اخلاقی است. بنابراین، همین دستور العمل‌های اخلاقی‌اند که در سایه منفی نگریستن و بدبینانه دیدن جهان جنبه مرتاضانه و راهبانه به خود گرفته‌اند.

هامفری نیز چنین بیان می‌دارد: «از آنجا که هدف ورود به سنگهه نابود سازی قیود و امیال دنیوی و در نتیجه دستیابی به بیداری است، لازم است خود فرد ریاضت‌هایی را بر خویش تحمیل کند»<sup>۲</sup>.

۲- پاسخ دوم، چنانکه گفته شد، جنبه جامعه شناسانه دارد. با نگاهی به تاریخ سرزمین هند و جنوب شرق آسیا در می‌یابیم که کناره‌گیری از دنیا و ریاضت کشیدن نه تنها عرف و سنتی رایج بود، بلکه امری مقبول و پسندیده نیز به شمار می‌آمد. بنابراین طبیعی است که بودائیان نیز در همین چارچوب عرف و جامعه خویش به تعریف "اخلاق" بپردازند و ساختار آن را در زمینه مساعد رهبانیت روزگار خود پی‌ریزی کنند. نمونه دیگر همین تأثیر پذیری، رعایت قوانین پنجگانه اخلاقی برهمنان توسط اعضای سنگهه است که پیشتر بدان اشاره شد.

1. Humphreys, op. cit., p. 134.

رادا کریشنان دربارهٔ این عرف رایج چنین می‌گوید: «برای دین بودائی ممکن نبود که کاملاً از گذشتهٔ خود جدا شود. از دوران‌های اولیهٔ ودایی، مرتاضانی در هند بودند که خود را کاملاً از مسؤولیت‌های زندگی جدا می‌کردند و آزاد و سرگردان ادامهٔ حیات می‌دادند. در اوپانیشادها هم شاهد چنین گرایش هستیم. قوانین برهمنی نهایتاً این حق را برای طبقهٔ خود قائل شدند که نظارت بر مراسم دینی را خود به عهده گیرند و وظایف و مسؤولیت‌های زندگی را به دیگران سپارند. انسان ایده‌آل و آرمانی هند کسی بود که ریاضت پیشه کند، کاسه‌ای در دست گیرد، از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر رود، بدون آنکه کلمه‌ای بر زبان راند یا خواهشی داشته باشد... به دنبال این عرف جامعه، بهیکشوه‌های بودائی نیز درویشانی بودند که با صدقات زندگی می‌کردند، بر ترک دارایی و مال خود عهد می‌بستند و خود را وقف تبلیغ پیام بودا می‌کردند...»

اما با وجود این، رادا کریشنان خود از سختی موجود در این قوانین ابراز شگفتی می‌کند: «با آنکه بودا اعمال مرتاضانهٔ شدید را سرزنش می‌کند، جای تعجب است که نظام انجمن اخوت بودائی در مراحل، بسی سختگیرانه‌تر از آن چیزی است که در متون برهمنی به چشم می‌خورد. اگر چه بودا از جنبهٔ نظری احتمال دستیابی به نجات را بدون ریاضت سخت می‌پذیرد، اما در عمل به نظر می‌رسد که بر همگان لازم می‌داند همانند او رفتار کنند»<sup>۱</sup>. نمی‌توان پاسخ کاملاً صریح و روشنی برای این پرسش یافت که آیا از نظر بودا انجام ریاضت‌های شدید، انزواطلبی و ترک خانمان شرط لازم رسیدن به نیروان و رستگاری است یا خیر<sup>۲</sup>. وی از طرفی بهیکشوشدن و ترک خانمان کردن را به عنوان شرط لازم رهایی رد

1. Op. cit., vol. 1, pp. 435-36

۲. البته این نکته را باید ذکر کرد که هیچگونه سختگیری یا محدودیت و قیدی نسبت به خروج از سنگه وجود ندارد. در واقع، هیچ یک از بهیکشوها لازم نیست عهد کنند که برای مدتی طولانی یا برای همیشه از خانه و کاشانه شان فاصله بگیرند، بلکه بر عکس، هر زمان که مایل باشند می‌توانند به زندگی عادی خود برگردند. در واقع هیچگونه

اجبار و الزام بیرونی در این مورد وجود ندارد. رجوع کنید به: Humphreys, Op. cit., p. 134. Coomaraswamy, *Buddha and the Gospel of Buddhism*, pp. 153-54.

می‌کند، اما از سوی دیگر، انسانی را که در میان خانواده خود حیات عادی و روزمره‌اش را با تمامی تعلقات آن سپری می‌کند، قطعاً ناتوان از دستیابی به چنین مرحله‌ای می‌داند. از بودا چنین نقل شده که:

« زندگی ای که انسان در خانمان خود به سر آورد، آکنده از قید و بندهاست. راهی است که بارنج آمیخته است. اما زندگی آن کس که تمام امور دنیوی را به یک سو نهاده، همچون هوا آزاد و رهاست. بسی دشوار است ساکن بودن در خانه و کاشانه، و پیمودن طریق تعالی به شکل ناب و کامل آن. پس بگذارید موها و محاسن خود را بتراشم، جامه نارنجی رنگ بر تن کنم و از زندگی ای ساکن در کاشانه و منزل، به سوی بی خانمانی و سرگردانی رهسپار گردم.»

به گفته رادا کریشنن، در سخنان بودا گونه‌ای ناهماهنگی در این باره دیده می‌شود، چنانکه در *Majjhima Nikāya* از قول بودا آمده است که انسان بدون آنکه راهب شود می‌تواند به نیروانه دست یابد<sup>۱</sup>.

باید به این مهم توجه داشت که تأکید بر ریاضت، با موضوع تشریفات دینی تفاوت بسیاری دارد. بودا به شدت با تشریفات دینی آن روزگار و قربانی‌های مرسوم مخالفت می‌نمود و از سوی دیگر به قول رادا کریشنن در اعمال دینی خانگی هیچ دخالتی نمی‌کرد.

۲- انتقاد دوم بر سنگهه، تنافی قوانین و احکام دینی (همچون ترک زندگی دنیوی، عدم تشکیل خانواده و گدایی نمودن غذا از دیگران) با رفاه جامعه بشری است.

بدیهی است که برای فهم صحیح قوانین یک دین، ابتدا باید به جهان بینی و چارچوب اعتقادی آن دین نظر افکند. کوماراسوامی به عنوان یکی از مدافعان تعالیم بودا، به این انتقاد

1. Op. cit., p. 439.

از همین زاویه نگریسته و در واقع با رویکردی "درون دینی" درصدد پاسخ به این انتقاد بر آمده است. او می‌گوید:

«باید پرسید هدف از زندگی چیست. اگر هدف از زندگی دستیابی به بیداری است، اینکه عده‌ای از بهترین انسانها فعالیت‌های اجتماعی را ترک می‌گویند و وابسته به قیود اجتماعی نمی‌شوند، دارای مزیت مثبت اخلاقی و اجتماعی است. اینان نشان داده‌اند که تمایلات دنیوی اسیرشان ننموده است... از این طریق به آموزگاران بشریت و الگوهای انسانی تبدیل شده‌اند...»<sup>۱</sup>

روشن است که پاسخ کوماراسوامی نمی‌تواند تحلیل قانع کننده‌ای در مقابل انتقادهای جامعه شناسانه نسبت به این قضیه باشد.

۳- انتقاد سوم وارد بر سنگهه که بیشتر از سوی محققان معاصر مطرح شده است، درباره تبلی و رخوت موجود در سنگهه است. هامفری، مطرح کننده این انتقاد، بر آن باور است که به دلیل عدم نظارت بر انگیزه افرادی که وارد سنگهه می‌شوند، بسیاری از جوانان کند ذهن به دلیل فقر مالی به این نهاد می‌پیوندند و این امر سبب رکود اهداف عالی سنگهه شده است.<sup>۲</sup>

۴- چهارمین انتقاد، وابستگی سنگهه به حکومت از دو بعد اقتصادی و سیاسی از یک طرف، و دخالت سنگهه در امور سیاسی از طرف دیگر، می‌باشد. ارتباط میان قدرت سیاسی و سنگهه در مقاطعی آن چنان نزدیک بوده است که گفته می‌شود وجود سنگهه، پادشاهی بودائی را پیش فرض می‌گرفته است. این دو (سنگهه و پادشاه) برای یکدیگر مکمل‌هایی کارکردگرایانه محسوب می‌شوند. زیرا سنگهه برای حمایت سازمان یافته و اقتصادی به پادشاه وابسته است و پادشاه نیز برای موجه جلوه دادن قدرت خود به سنگهه

1. Coomaraswamy, op. cit., p. 128.

2. Humphreys, op. cit., p. 139.



نیاز دارد. از آنجا که سنگهه در جامعه بودائی جایگاهی مقدس دارد، یکی از وظایف پادشاهان احترام و تکریم روحانیون و حمایت سیاسی و اقتصادی از آنان بوده است... در سریلانکا، بودیزم از همان ابتدای تکوین به عنوان دین دولتی بنا نهاده شد. بر طبق سنت، پادشاه اولین بودائی محسوب می‌شد. بنابراین، رسیدگی و بخشایش مالی به سنگهه از وظایف پادشاهان به شمار می‌آمد. از این رو، آنان زمین و ملک و اموال دیگری وقف سنگهه می‌نمودند و جامعه نیز به تبعیت از پادشاهان بدینگونه اعمال اقدام می‌ورزید.<sup>۱</sup>

سنویرته در بخش دیگری از نوشته خود درباره نحوه وابستگی سیاسی سنگهه به قدرت‌های سیاسی آورده است: «از آنجا که سنگهه دارای هیچگونه مرجعیت محوری مؤثر درون محدوده نظام مند خود نیست، بنابراین حمایت و تجسم تمامیت اخلاقی و سیاسی و نیز قضاوت در مورد اختلافات آن را باید در جای دیگری جستجو کرد. برترین مورد در خصوص اینگونه کار کردها، پادشاه است. بنابراین سنگهه از نظر سیاسی نیز همچون بعد اقتصادی به پادشاه وابسته می‌شود. این وابستگی اغلب شکل «تطهیر و پاکسازی جماعت» را به خود می‌گیرد. یعنی پاکسازی چند مرحله‌ای سنگهه از راهبانی که از فرامین سرپیچی کرده‌اند. این پاکسازی‌ها نشان از پافشاری مؤکد مردم بر تطهیر سنگهه و استقبال آنان از اینگونه پاکسازی‌ها داشت. به این ترتیب، اینگونه پاکسازی‌ها به نفع همه گروه‌ها بود. به هر حال سنگهه به چنین عاملی برای ایجاد همسانی و یکدستی در خود احتیاج داشت. پادشاه غیر از وظیفه پاکسازی، با قانونمند کردن اعتقادات و برخی اعمال دیگر، عاملی جهت تشدید تمامیت جمعی سنگهه نیز به شمار می‌رفت. بنابراین از نظر تاریخی، پادشاه از سنگهه جدایی ناپذیر بود. امروزه این نقش توسط حکومت اجرا می‌شود».

1. H. L. Seneviratne: "Samgha and Socitey", *Encyclopedia of Religion*, vol. 13, p. 43.

2. Art. cit., p. 43.

۵- رفاه اقتصادی سنگه‌ها: یکی از مهمترین قوانین دینی، تحریم مالکیت چیزی برای بهیشکوهاست. آنان تعهد کرده‌اند که مالک هیچ چیزی نباشند و با صدقات و نذورات زندگی کنند.<sup>۱</sup> اما اغلب سنگه‌ها به مرور و در طی زمان، دارای تملکات بسیاری شدند و ثروتمند گشتند. علت آن هم نذورات، هدایا و موقوفاتی بود که به سنگه‌ها اهدا می‌شد. این عمل حتی در زمان حیات بودا نیز اتفاق افتاد.

همانگونه که بارت گفته است، این نذورات با هدایایی که به برهمنان هندو اعطا می‌شد، تفاوت بسیاری داشت. چرا که درهند هدایا به شخص برهمنان داده می‌شد یا میان آنان تقسیم می‌گشت، اما نذورات سنگه به هیچ عنوان تقسیم نشده و برای استفاده‌های عمومی انباشته می‌شد. در نتیجه جماعت دینی بودائیان روز به روز شرایط مالی بهتری می‌یافت، سنگه‌ها مجلل‌تر می‌شد و بسیاری آثار هنری همچون مجسمه‌ها، نقاشی‌ها و حکاکی‌ها درون سنگه‌ها ایجاد شد که اثرات آنها تا به امروز قابل مشاهده است.<sup>۲</sup>

اگر چه در بسیاری از سنگه‌ها، نوع زندگی بهیشکوها به همان شکل سابق باقی ماند، اما مواردی نیز یافت می‌شد که راهبان خود را درگیر اینگونه مسائل اقتصادی می‌کردند. به هر صورت این مسأله موجب شد که سنگه‌ها از آن شکل ساده اولیه خود بیرون آیند و رنگ و بوی تجملات به خود گیرند.

۱. هر بهیشکو تنها می‌تواند مالک ۸ چیز باشد: سه عدد خرقة، پارچه ای نیم ته، یک عدد تیغ، یک عدد سوزن و یک عدد صافی آب. در دوران‌های اخیر به بهیشکوها اجازه داده شده چتر و تعدادی کتاب نیز همراه خود داشته باشند، اما از به همراه داشتن پول کاملاً نهی شده‌اند. نک:

Coomaraswamy, op. cit., pp. 153-56

2. A. Barth, *The Religions of India*, Routledge, Great Britain, 2002, pp. 127-128; and Seneviratne, art. cit., pp. 40-47.

همین دو مورد آخر یعنی پیدایش دخالت‌های سیاسی و نیز رفاه اقتصادی در سنگهه مهمترین عواملی بودند که از همان زمان‌های کهن موجب ایجاد شکاف در سنگهه شدند. گروههایی که از سنگهه جدا می‌شدند، در پی تطهیر کامل خود و نیز اجتناب از درگیری‌های اجتماعی و سیاسی موجود در آن، و نیز دوری از تسهیلات سنگهه، با انتقاد از استقرار ثابت بهییشکوها به ترک آن و انزوا طلبی اقدام می‌کردند. به این افراد عنوان «ساکنان جنگل» داده شد.<sup>۱</sup>

### تحلیل خصوصیات و ویژگی‌های سنگهه

۱- سنگهه بودائی به اعتقاد بسیاری از محققان، مهمترین نوآوری و دستاورد عملی دین بودائی و تفکر منحصراً به فرد در جامعه آن روز بوده است.<sup>۲</sup> البته گروههای بی‌خانمان قبل و بعد از تشکیل سنگهه بودائی وجود داشتند، اما هیچ یک سازمان یافته و یا نهاد پیچیده‌ای نبودند. بر خلاف گروههای موجود، سنگهه حول بایدها و نبایدها و مجموعه‌ای از قوانین و آداب رهبانیت شکل گرفت.<sup>۳</sup>

نظام سنگهه تا بدان حد نوآورانه بود که بارت علت مخالفت برهمنان با بودا را در نظام سنگهه می‌بیند. او می‌گوید: «علت عمده مخالفت برهمنان با بودا در تعالیم او نبود، بلکه در نهاد آموزشی‌ای بود که او بنا نهاد. هدف بودا تشکیل مدرسه‌ای برای آموزش پاره‌ای اعتقادات به شاگردان توسط یک استاد و معلم خاص نبود، بلکه او می‌خواست جماعتی را

1. Seneviratne, art. cit., p. 45

برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Humphreys, op. cit., pp. 132-3; and Radhakrishnan, Op.

.۲ از جمله نک:

cit., vol.1, pp 435-9

3.Seneviratne, art. cit., p. 41.

تشکیل دهد که هدف آن درک حیات کامل و نظام دینی حقیقی باشد، تا اعضای آن با عقد عهدهای مشخص و اقرار به ایمان، هیچگاه از این حیات دینی خود باز نگردند.<sup>۱</sup>

۲- دومین مشخصه بارز سنگهه، تقدس آن است. سنگهه به عنوان واسطه انتقال و پایایی دهرمه همیشه احترام جامعه بودائی را متوجه خود ساخته است. به قول هاینز بکرت «سنگهه قابل احترام است زیرا از شریعت بودا پیروی می کند و درصدد جاودانه ساختن آن است.»<sup>۲</sup> بنابراین، بهیکشوها یا هر کس که جامه نارنجی رنگ به تن دارد، دارای احترام بسیاری است. این احترام که امروزه تا حدی افراطی نیز به نظر می رسد، احترام به ارزش هایی است که این لباس نشانه آن است.<sup>۳</sup> در دهمه پده آمده است:

«انسان باید نسبت به کسی که شریعت را آنگونه که توسط بیدار شده کامل تعلیم داده شده، دریافته است، تکریم فراوانی قائل شود، آنگونه که یک برهن آتش قربانی را ستایش می کند.»<sup>۴</sup>

۳- سنگهه، تجلی نظریه برادری و اخوت بودا و حذف کننده نظریه طبقاتی برهنیزم است. تا جایی که راداکریشنان، علت موفقیت دین بودائی را در همین مشخصه سنگهه می داند. او چنین بیان می کند: «علت موفقیت این دین را می توان در سه گوهر (Triratna) دانست، یعنی بودا، دهرمه و سنگهه یا اخوت و برادری. شخصیت منحصر به فرد بودا در دوستی و صمیمیت با انسانها و خوار شمردن بزرگان، تأثیر بسیاری بر اذهان مردم گذاشت... اندیشه برادری انسانها مانع رشد روز افزون اعتقاد به کاست شد. نهاد سنگهه و روح قوانین آن بسیاری را جذب کرد. روحانیان بودائی همانند رهبرشان به دنبال راهنمایی و موعظه همه انسانها به سمت حقیقت بودند. اخلاقی که بودا تعلیم داد، این بود که تنها پاکی در

1. A. Barth, op. cit., p. 123.

2. Art. Cit., p. 38.

3. Humphreys, op. cit., p. 136.

4. Dhammapada, xxvi, 10.

قلب موجب رستگاری می‌شود.» همو در جای دیگری می‌گوید «سنگه انجمن اخوت بوداییان است که به روی همه، با هر شرایطی، بدون استثنا باز است<sup>۱</sup>، حتی کسانی که مرتکب اعمال خلاف شده اند می‌توانند عضو این جماعت شوند<sup>۲</sup>.»

علیرغم آنکه راداکریشنان مطالب فوق را در خصوص آزاد بودن ورود به سنگه برای تمامی طبقات ذکر می‌کند، در بخش دیگر مطالبش درباره کاست و اصلاحات بودا در این زمینه نکاتی را مطرح می‌کند که تا حد زیادی این مساوات و یگانگی را مورد تردید قرار می‌دهد. او در این باره کاملاً با هاردی<sup>۳</sup> موافق است که: «بودا با نهاد کاست مخالفت نمی‌کند، بلکه دیدگاه اوپانیشادها را می‌پذیرد. به این معنا که آنچه یک برهمن را برهمن می‌سازد، نه خاستگاه طبقاتی او حین تولد، بلکه صفات و ویژگی‌های شایسته و اعمال خوب اوست.... پس بنا بر نظر او هر انسانی می‌تواند به مراتب بالایی دینی دست یابد منتهی اگر عضو سنگه شود.... با توجه به این نکته، بودا "طبقه" را کاملاً حذف نکرده است. از سوی دیگر، دین بودا دینی آریستوکراتی و اشرافی است. این دین سرشار از نکات و ظرائفی است که تنها تحصیلکرده‌ها می‌توانستند آنها را بفهمند. از این رو بود که نخستین شاگردان او، از روحانیون دینی یا جوانان ثروتمند بنارس بودند. نمی‌توان گفت که بودا اصلاحگری اجتماعی بود، بلکه او را باید اصلاحگری معنوی دانست. او حتی تولد در خانواده‌ای برهمن را امتیازی برای کسب شایستگی می‌شمرد<sup>۴</sup>.»

۱. البته بد نیست اشاره کنیم که در زمان بودا هیچ محدودیتی در پذیرش افراد به سنگه نبود (هر چند که طبق روایات تاریخی، بودا به سختی حضور زنان را در این نظام می‌پذیرد.) اما پس از گذشت زمان، شرایطی ایجاد شد که از آن جمله شرط سن بود. نک: Martin Collcutt: "Monasticism; Buddhist Monasticism", *Encyclopedia of Religion*, vol. 10, p. 41.

2. Op. cit., pp. 473-74.

3. Hardy

4. Op. cit., p. 436.

بنابراین، هاردی از دو جهت معتقد است که بودا کاملاً کاست را طرد نکرده است. اول از آن نظر که اعضای سنگهه خود تشکیل یک طبقه برتر اجتماعی را می‌دهند، و دوم از آن جهت که در ابتدا تنها اشراف از طرفداران بودا بودند.

رادا کریشنان در ادامه مطالبی را از هوارنل<sup>۱</sup> نقل می‌کند: «اگر دو دین بودائی و جایینی را جریان‌ات اصلاح طلبانه‌ای به ویژه در انتقاد از نظام کاست به شمار آوریم، خطایی بزرگ مرتکب شده ایم. این دو دین تنها اعتراضی علیه انحصار طبقاتی روحانیون و برهمنان بودند؛ اما مسأله کاست حتی در خود این ادیان امری مقبول بوده است .... با آنکه عضویت در سنگهه برای همگان آزاد بود، اما عملاً به اقشار برتر محدود شده بود.»<sup>۲</sup>

البته این نظر هوارنل و هاردی چندان مقبول به نظر نمی‌رسد. زیرا نمی‌توان از عضویت اقشار برتر در سنگهه اولیه، چنین نتیجه گرفت که کاست مسأله پذیرفته شده‌ای بوده است. این امر می‌تواند علل مختلف اجتماعی و دینی داشته باشد که از جمله آنها تحصیل اشراف و در نتیجه آمادگی ذهنی بیشتر آنها است.

اما رادا کریشنان مجدداً به همان موضع محکم خود درباره بودا و نفی کاست باز می‌گردد. او می‌نویسد: «بودا مصلحی دینی بود که ریشه مفسد را در اصل اخلاقی "عدم خودخواهی" می‌دید. او هیچگونه اشتیاق آتشی در انجام انقلابات اجتماعی نداشت. به قول الدنبرگ «... بگذارید جامعه و حکومت آنگونه که هستند بمانند، یک انسان دینی که همچون راهبی ترک دنیا کرده است، هیچگونه دغدغه‌ای نسبت به این مسائل ندارد. کاست هیچگونه ارزشی برای او ندارد، چراکه هیچ چیز دیگر دنیوی قادر به تأثیر گذاری بر او نیست...»<sup>۳</sup>

1. Hoernle

2. Op. cit., p. 438.

3. Op. cit., p.439.

به هر صورت این نظر راداکریشان صحیح است که بودا از انحصار طلبی دینی برهمنان و ریاکاری‌های دینی آزرده خاطر بود و از این رو در صدد نفی آن برآمد، اما هیچگونه انگیزه انقلابی و اجتماعی پشتوانه این اندیشه او نبود تا به یکباره جامعه را متحول سازد. از این روست که اعضای سنگهه خود به یک طبقه برتر در جامعه تبدیل می‌شوند.

پاسخ بارت به این تناقض نیز مناسب است. او در عین اینکه اظهار می‌دارد سنگهه بدون استثنا به روی تمام اقشار باز بوده است و بودا افراد را از هر کاستی می‌پذیرفت، اما خواننده را متوجه این نکته می‌سازد که این روند تا مدتها پس از بودا به همان شکل اولیه و آرمانی‌اش در هند دنبال نشد و عملاً شاهد آنیم که پس از گسترش دین بودائی به کشورهای دیگر و پیوستن نژادها و گروه‌های مختلف به این آئین، نظریه برادری در شکل عالی خود و همانگونه که بودا مدنظر داشته است، شکل می‌گیرد. و اینگونه بود که برهمنیزم برای بقای خود مجبور بود روز به روز بر فاصله‌ها و حدود تأکید ورزد، حال آنکه بودیزم برای گسترش خود در حذف فاصله‌های طبقاتی بیش از پیش کوشش می‌نمود.<sup>۱</sup>

به هر حال نظریه برادری بودا در درون سنگهه هم نفوذ یافت و تمامی اعضای سنگهه را از هر کاستی که بودند، در یک درجه از اهمیت قرار داد. همین همدلی مسالمت آمیز اعضای سنگهه در داخل بود که سنگهه را به الگویی برای جامعه در همزیستی صلح جویانه تبدیل نمود و جدا از آرمان‌های روحانی و ماورائی سنگهه، کارکردی جامعه شناسانه نیز برای آن حاصل کرد.<sup>۲</sup>

۴- بهیچشوه‌های بودائی، تنها راهنما و آموزگاران مردم‌اند و نه واسطه‌های میان انسان و خدا یا کارگزاران الوهیت بر روی زمین و عهده دار برگزاری مراسم دینی. لزوم حضور روحانی دینی در آئین بودائی، در حد انجام برخی مراسم مانند ازدواج و مرگ است. از این رو به قول

1. Op. cit., pp. 124-5.

2. Seneviratne, art. cit., 13. p. 41.

گیدن، عدم وجود آیین‌های قربانی مفصل در دین بودایی از یک سو، و نیز تأکید بسیار بر دست یافتن به نجات از طریق تلاش‌ها و ارزشهای اکتسابی خویش در آیین هینه‌یانه، موجب شده است که نظام روحانیت دینی بدان شکلی که در ادیانی مانند مسیحیت و هندوئی وجود دارد، در این آیین دیده نشود. حتی در مه‌ایانه نیز که بودی ستوه‌ها همیاری بسیاری در حمایت انسان برای دستیابی به هدف معنوی‌اش دارند، اما باز هم رهایی نهایی هیچگاه از طریق یک روحانی دینی حاصل نمی‌شود. تنها می‌توان تبّت را یک استثنا در این مورد به شمار آورد، که آن کشور نیز تحت تأثیر مبلغین غرب بوده است ... این همان دیدگاهی است که خود بودا پیوسته بر آن پافشاری می‌کرد. طبق نظر بودا، هر انسانی می‌تواند با درک و سختکوشی خود به شناخت حقیقت دست یابد. هیچ راه دیگری برای رسیدن به رستگاری وجود ندارد. بودا اساساً هیچ اعتقادی به رهایی یافتن از طریق انسانی دیگر نداشت.<sup>۱</sup>

به گفته کوماراسوامی «راهبان نه به کشیشان شبیهند و نه به رسولان. آنان قدرت هیچگونه نجات بخشی یا محکوم کردن، بخشایش گناهان، و سرپرستی مراسم دینی و آداب مذهبی را ندارند. حتی سرپرستی معابد بودائی نیز وظیفه لازم و ضروری راهبان نیست، اگر چه در اکثر موارد سرپرستی معابد را به صومعه‌های همان محل می‌سپارند»<sup>۲</sup>.

رادا کریشنن نیز در این مورد می‌گوید: «راهب بودائی واسطه‌ای میان خدا و انسان یا یک معجزه گر نیست، بلکه تنها یک راهنماست. ویژگی‌ای که در نظام دینی پیشین یعنی آئین برهمنی دیده نمی‌شد. اگر چه قوانین سنگهه بودائی برگرفته از قواعد نظام برهمنان بود، اما این قوانین با اهداف تبلیغ گرایانه و روح تعلیم این دین که در بین راهبان بودائی وجود

1. A. S. Geden, "Priest Priesthood ( Buddhist)", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, vol. 10, p. 289.

2. Op. cit., pp. 154-55.



داشت وفق یافت. رابطه میان بودا و شاگردانش، یا راهبان و پیروانشان همچون ارتباط یک استاد و شاگرد است.<sup>۱</sup>»

بنابراین بهیکشوها در واقع یک فرد نادم و اندوهناک‌اند، و در وهله بعد چنانچه توانایی داشته باشند، کاتب، موعظه گر، راهنمای هوشیار نمودن، آموزگار ایمان و گاهی اوقات مبلغ‌اند. آنان در اقرار ایمانی خود متواضع و فروتن‌اند، و بدون تعلق به نظام دینی‌ای که عضو آند، به هر جا که آموزگاران برترشان تشخیص دهند می‌روند.<sup>۲</sup> در سنگهه "مهران" هنگام خواندن موعظه نه به عنوان یک کشیش و در آن جایگاه، بلکه به عنوان فردی که معرفت بیشتری کسب نموده است، ظاهر می‌شوند.<sup>۳</sup>

۵- عدم وجود مرجعیت دینی. از مهمترین مشخصه‌های سنگهه نبود مرجع دینی و عدم تبعیت فکری و اعتقادی است. تنها اصل پذیرفته شده در سنگهه اولیه مربوط به سلسله مراتب راهبان، ارشدیت بود که مبنای آن تعداد روزهای حضور در سنگهه بود. راهبان کهنه کارتر "sthaviras" (مهران) و راهبان نوآموز "śramans" یا "śramaneras" (تلاش کنندگان) نامیده می‌شدند. تمامی راهبان حقوق و وظایف یکسانی داشتند.<sup>۴</sup>

هامفری نیز می‌گوید: «آنگاه که بودا زنده بود، در رأس جماعت دینی قرار داشت و آنگاه که وفات یافت، هیچ جانشینی نداشت و تا به امروز نیز هیچ پاپ یا مرجعی بر رأس این نظام قرار نگرفته است تا بیان دارد چه چیزی بودائی است و چه چیزی نیست. هر مکتب و هر صومعه‌ای خود انتخاب کننده رئیس سنگهه و خودگردان است. رئیس سنگهه در واقع بالاتر

1. Op. cit., p. 437.

2. A. Barth, op. cit., pp. 127-28.

3. A. S. Geden, art. cit., p. 289.

4. Cf. Heinz Bechert, p. 37; A.S. Geden, "Monasticism ( Buddhist)", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, vol. 8, p. 797.

از نوآموزان نیست، چراکه همه تابع قوانین سنگه اند و نه تابع فردی خاص. هر سنگه دارای نظام درونی خاص خود می‌باشد.<sup>۱</sup>»

البته به این نکته باید توجه داشت که سلسله مراتب روحانیون در سنگه وجود داشته است، اما مبنای آن میزان دانش یا پابندی به دهرمه نبود، تا به مرور زمان در پی خود نوعی مرجعیت اعتقادی - عملی ایجاد کند، بلکه تنها میزان سنواتی که فرد عضو سنگه می‌شد، ملاک این سلسله مراتب قرار می‌گرفت.<sup>۲</sup>

برای مثال یک بودائی حتماً باید ۲۰ سال بهیکشو بماند تا بتواند به مرتبه سوم برود. هر چند عملاً شاهد آنیم که گونه ای امتیازات دینی در سنگه دیده می‌شود، و به قول سنویرتنه، عدم وجود سلسله مراتب روحانیون در سنگه، به معنای دموکراسی در مفهوم نوین سیاسی نیست و تمایزات تازه واردان و کهنه کاران، معلمان و شاگردان، تعلیم یافتگان و نوآموزان به روشنی دیده می‌شود، اما باید توجه داشت که سنگه، دارای هیچ نظام مؤثر فراگیری از قوانین، فرامین و احکامی که از طریق سلسله روحانیت در سنگه جریان یابد، نیست و همین عدم مرجعیت محوری و مؤثر در سنگه است که نهایتاً منجر به دخالت قدرتهای سیاسی در تصمیم گیری‌های حساس مربوط به سنگه و تعیین حد و مرزهای دینی و اعتقادی می‌گردد. تا جایی که "پادشاه" در برخی کشورها به "تصمیم گیرنده نهایی" تبدیل می‌شود و قضاوت در مورد اختلافات سنگه را بر عهده می‌گیرد.<sup>۳</sup> زیرا همانطور که پیشتر دیدیم، راهبان بودائی و بهیکشوها حق قضاوت نمودن و محکوم کردن ندارند. و چه بسا احساس نیاز به همین ضرورت، دخالت قدرتهای سیاسی را موجب شده است.

1. cf. op. cit., p. 133.

۲. این سلسله مراتب روحانیون عبارت است از: ←

1. Samanera  
2. Behikkhu

3. Thera(Elder)  
4. Mohathera

نک: Humphreys, op. cit., p. 135.

3. Art. cit., p. 43.

### تحلیلی بر چگونگی و چرایی این مشخصه

هر چه به تاریخ اولیه بودائی نزدیک تر می‌شویم، از فرمالیسم دینی، تشریفات سنگهه و سلسله مراتب روحانیون نشان کمتری می‌یابیم. قطعاً اندیشه آرمانی بودا این بود که سنگهه، به دور از هرگونه مرجعیت و ارشددیتی، به حیات دینی خود ادامه دهد. اما آنچه که موجب پیدایش این مسأله، یعنی سلسله مراتب روحانیون گردید، ضرورت نظم و سامان بخشیدن به سنگهه و تعیین ساختار و چارچوب آن بود. در حقیقت، حفظ ماهیت سنگهه، نیازمند تنظیم روابط میان راهبان و ایجاد این سلسله مراتب بود. البته این امر لزوماً به معنای ایجاد مرجعیت دینی و نفی دموکراسی و مبارزه با ابراز عقیده نیست. همانطور که می‌بینیم، در دین بودا نیز این حادثه روی نداد و جز در دوره‌هایی محدود (از جمله در حکومت آشوکا)<sup>۱</sup> هیچگاه اعضای سنگهه از بیان دیدگاههای خاص خود منع نشده‌اند. این ویژگی در عین محاسن بسیاری که دارد، می‌تواند زمینه ساز حضور و دخالت قدرتهای سیاسی شود.

اما برآستی چرا در دین بودائی، هیچگونه مرجعیت دینی پیدا نشد؟ با آنکه دین به دلیل تقدس و سر و کار داشتن با اعتقادات، آمادگی بسیاری جهت تبدیل برخی خواص به مرجع نهایی دارد، اما در گذر تاریخ شاهد آنیم که دین بودائی، با آنکه دارای جماعتی از خواص است، تنها دین دارای پیروان بسیار است که فاقد این مرجعیت بوده است. دلایل بسیاری را از زوایای فکری گوناگون برای پاسخ به پرسش می‌توان مطرح نمود که تعدادی از آنها در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱- دین بودائی اولیه (برخلاف ادیان دیگر) مجموعه‌ای از تعالیم اخلاقی، و نه پیکره‌ای از اعتقادات و ایدئولوژی‌ها، بود. این امر سبب شد که پیروان این دین کمتر مشغول مجادلات کلامی که زمینه ساز تقابل رأی‌هاست شوند و بیشتر به امور عملی و رهبانی بپردازند. به قول کشیپ «تعالیم بودا دور از مجموعه عقایدی بناشده بر پایه آداب دینی است. بودا به

1. Ibid., pp. 40-47.

دنبال افزودن نظریه‌ای بر مجموعه دیدگاههای آن روزگار نبود... روش بودا عقلی و تجربی است ... او در پی آن است تا حقایق و واقعیت‌ها را به درون قلب شنونده بنوشاند...<sup>۱</sup>

البته این مطلب به معنای نفی اختلافات در دو حوزه اعتقادی و عملی نیست و مکاتب چندی نیز در اثر این اختلاف دیدگاهها در هر دو حوزه بوجود آمدند. از جمله مکاتب متنوعی با قوانین مختلف در خصوص تفسیر متون دینی شکل گرفتند. اینگونه اختلافات گاه بسیار جدی بود و موجب جدایی و شکاف می شد.<sup>۲</sup>

۲- بودا به درخواست پیروانش در انتخاب جانشین پس از خود، پاسخ مثبت نداد و از آنان خواست که هر یک چراغ راه خود باشند و در حقیقت، با مراقبت و تربیت نفس خود، به قابلیت معنوی خویش فعلیت بخشند و در پی یافتن گوهر درونی خود در بیرون از و از دیگران و با تبعیت از غیر نباشند. در واقع، دین بودائی از انسان می‌خواهد روی پای خود بایستد، همین مسأله موجب تقویت اعتماد به نفس و انرژی آدمی می‌گردد. بودا بارها و بارها به پیروانش خاطر نشان می‌سازد که هیچ کس بیرون از شما در آسمان و زمین و ... نیست تا شما را از نتایج کردارهای زشت گذشته‌تان رها سازد. تنها باتلاش خویش است که می‌توانید به آرامش برسید.<sup>۳</sup>

این دیدگاه فردگرایانه بودا نیز می‌تواند مانعی جهت ایجاد مرجعیت دینی باشد.

۳- در دین بودائی، با فقدان کتب مقدس و مرجع دینی روبرو هستیم. اگر در هندوئی تمام استادها به وداها - به عنوان کتابی مقدس - صورت می‌گیرد، بودا هیچ کتاب مقدسی را ارائه نمی‌دهد تا بتوان به عنوان منبعی جهت مباحثات به آن استناد نمود. حتی در دوران خود

1. J. Kashyap, "Origin and Expansion of Buddhism", *The Path of the Buddha*, New York, 1956, p. 17.

2. Martin Collcutt, art. Cit., p. 27.

3. U. Thittila, "The Fundamental Principles of Theravada Buddhism", *The Path of The Buddha*, Thailand, 1999, p. 76.

او، نام و نشانی از وی به عنوان مرجع نیست و قرار گرفتن بودا در سطح تقدس امروز آن، حاصل گذشت زمان است.

در *Mahāparinibbāna Sutta* از قول بودا چنین نقل شده است که او هیچگاه در اندیشه اراده سنگه نبوده است و نمی‌خواسته که سنگه به او وابسته باشد.<sup>۱</sup>

۴- بودا در صدد نفی ظاهرگرایی‌ها و قضاوت بر اساس ظواهر بود. او به صراحت اعلام نمود که انسانها نه با لباس و طبقه‌ای که در آن متولد شده‌اند، بلکه با اخلاق و منش خویش برهن می‌شوند. همین مسأله می‌تواند راهبی را که یک سال عضو سنگه بوده است، از راهبی که چندین برابر از سالهای عمرش را در آنجا گذرانده است، از حیث باطنی در سطحی بالاتر قرار دهد. بنابراین، ملاک برتری معنوی افراد، نه القاب آنها یا ظواهر علمی و عملی شان، بلکه فقط باطن آنهاست که از دید همگان مستور است. طریق بودا طریق عملی، درونی و تجربی است و چون آدمی را راهی به باطن دیگری نیست، "برتر دانستن" و "مرجع بودن" امری بی مفهوم است.

۵- در نگاهی جامعه شناسانه به این قضیه، در خواهیم یافت که دین بودائی شبیه به انقلابی دینی بود. این انقلاب دینی در مخالفت با ارزشهایی صورت گرفت که قرن‌ها بر جامعه آن روز حکمفرما بود و از این رو، آشکارا به مخالفت با انحصار طلبی برهمنان برخاست. در نتیجه، طبیعی و معقول است که بودا نیز از این سو به شدت بر عدم مرجعیت دینی تأکید داشته باشد و این اندیشه را که تا آن روزگار "ارزش" تلقی می‌شد، کاملاً "ضد ارزش" و بی پایه معرفی کند. اساس جدایی بودا از جامعه دینی آن روز مخالفت با برهمنان و نوع

1. W. Rahula, *What the Buddha Taught*, New York, 1956, p. 2.

عملکرد آنان بود. بنابراین بسیار بعید است که آنچه که روزگاری محور مخالفت یک دین با نظام دینی رایج بود (یعنی مرجعیت دینی)، در گذر زمان بتواند به عنصری مقبول در ساختار همان دین تبدیل شود.

### نتیجه گیری

با آنکه بودا در گفته‌هایش بر رهایی فردی تأکید دارد و اخلاق بودائی بیشتر فردی است تا جمعی، اما شاهد پیدایش نهادی منحصر به فرد و بی سابقه به نام سنگه در دین بودائی هستیم که بر گرد هم آمدن خواص دینی تأکید دارد. اگر چه سنگه در صدد مهیا نمودن شرایط مساعد برای سلوک شایسته‌تر تک تک افراد است، اما با قاطعیت می‌توان گفت که هدف اولیه بودا از تشکیل نهادی به نام سنگه، حفظ دهرمه، آموزش و خصوصاً تبلیغ آن به دیگران بوده است.

بودا می‌خواست با پایه‌ریزی سنگه دهرمه را تا ابد محافظت کند. درستی این ادعا در نوع برخورد بودا با زنان روشن می‌شود. هنگامی که زنان نزد بودا آمدند تا به ایمان اقرار کرده و وارد سنگه شوند، او تا سه مرتبه خواهش آنان را رد کرد. اگر چه بودا اذعان داشت که راه رهایی فقط مختص مردان نیست و زنان هم می‌توانند با در پیش گرفتن دستورالعمل‌ها و تعالیم او به همان درجه برسند، اما در چندین مرحله از ورود زنان به سنگه جلوگیری نمود. او نهایتاً در پاسخ به آینده و دیگر پیروانش که از این رفتار شگفت‌زده شده بودند، ورود زنان به سنگه را پذیرفت اما گفت: «آنده! چنانچه زنان به این جماعت نمی‌پیوستند، دهرمه تا هزار سال باقی می‌ماند. اما با ورود زنان، دهرمه بیش از پانصد سال عمر نخواهد کرد». این گفته بودا نشان می‌دهد که حفظ دهرمه مهمترین دغدغه او بود و همین دغدغه نیز از مهمترین عواملی بود که به ایجاد نهادی به نام سنگه منجر شد. نهادی که به دست بنیانگذار این دین شکل گرفت و تا به امروز نیز همچنان پایا و برقرار است.

**Bibliography:**

- Barth, A., *The Religions of India*, Great Britain, Routledge, 2002, First Published: 1890.
- Bechert, Heinz, "Samgha", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), 1987, Vol. 13.
- Beer, Robert, *The Handbook of Tibetan Buddhist Symbols*, Boston, Shambhala, 2003.
- Collcutt, Martin, "Monasticism: Buddhist Monasticism", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), 1987, Vol. 10.
- Coomaraswamy, Ananda K., *Buddha and the Gospel of Buddhism*, New York, Harper & Row Publishers, 1964, First Published: 1916.
- Eliade, Mircea, *A History of Religious Ideas*, Chicago, The University of Chicago Press, 1982.
- Geden, A., S., "Monasticism (Buddhist)", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), Vol. 8.
- Harvey, Peter, *An Introduction to Buddhist Ethics*, Cambridge University Press, 2000.
- \_\_\_\_\_, "Vinayana Principle for Assigning Degrees of Culpability", *Journal of Buddhist Ethics*, Vol. 6, 1999.
- Holt, John, C., "Vinayana", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), 1987, Vol. 15.
- Humphreys, Christmas, *Buddhism*, England, Penguin Books, 1983, First Published: 1951.
- Kahyap, J., "Origin and Expansion of Buddhism", *The Path of the Buddha*, Kenneth W. Morgan (ed.), New York, The Ronald Press Company, 1956.
- Lopez, Donald S., *Asian Religions*, New Jersey, Princeton University Press, 1999.
- Parrinder, Geoffrey, "Trikaya", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), 1987, Vol. 15.
- Prebish, Charles S., *Buddhist Monastic Discipline*, Delhi, Motilal Banarsidass, 1996.
- Radhakrishnan, S., *Indian Philosophy*, New Delhi, Oxford University Press, 1995, First Published: 1923.
- \_\_\_\_\_, *The Dhammapada*, Madras, Oxford University Press, 1982, First Published: 1950.

- 
- Rahula, W., *What the Buddha Taught*, Thailand, Haw Trai Foundation, 1999.
  - Reynolds, Frank, E., & Charles Hallisey, "Buddha", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), 1987, Vol. 2.
  - Seneviratne, H. L., "Samgha and Society", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), 1987, Vol. 13.
  - Steinkellner, Ernst, "Dharma: Buddhist Dharma and Dharmas", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), 1987, Vol. 4.
  - Thittila, U., "The Fundamental Principles of Theravada Buddhism", *The Path of the Buddha*, Kenneth W. Morgan (ed.), New York, The Ronald Press Company, 1956.